



وفادار به خاتمی با کمترین زاویه

غلامحسین کرباسچی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و مدیرمسئول روزنامه هم‌میهن در گفت‌وگو با خبرنگاران درباره انتخاب محمدرضا عارف به‌عنوان معاون اول مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران گفت: «انتخاب عارف شعار پزشکیان را درباره جوانگرایی به چالش نکشیده است. این انتخاب شعار پزشکیان مبنی بر عدم سابقه‌افراد در دولت‌های قبلی را هم‌زیرسوال نبرده چراکه او معاون اولی جای افراد جوان بی‌تجربه‌نیست. پزشکیان آنقدر تحرک و توان اجرایی دارد که از معاون اول توقع نمی‌رود که بتواند در مسائل اجرایی مانند جوان سی، چهل‌ساله‌عمل کند.»

او با اشاره به اینکه عارف شخصیت شناخته‌شده‌ای است، افزود: «از نظر خط سیاسی می‌توان گفت؛ عارف همواره در همین مسیری قرار دارد که پزشکیان گفته است، عارف حالت بزرگتری نسبت به بقیه دارد که باید مسائل آنها را با یکدیگر حل و فصل کند. قبلاً هم شنیده بودم که عارف مطرح است و از طرفی در مورد همه انتصاب‌ها نمی‌توانیم از جوانگرایی بگوییم، عارف تجربه اداره دولت خاتمی را دارد، که این دولت و دولت هاشمی در مجموع و با همه اشکالاتی که در کل سیستم وجود دارد، از همه دولت‌های بعد از انقلاب موفق بودند چراکه در جهت توسعه کشور موفق بودند. او می‌تواند بارش سفیدی- که محاسن عارف کاملاً سفید است(خند)- مسائل بین روز را حل و فصل کند. در مجموع نمی‌شود در این سمت از افراد کم‌سن و سالی استفاده کرد که وزرای دیگر بزرگتر از او باشند.»

مدیرمسئول روزنامه هم‌میهن با اشاره به اینکه به‌نظم عارف به نسبت بقیه گزینه‌ها انتخاب مناسب‌تری است، گفت: «البته هر کسی در مقام معاون اول انتخاب می‌شد، ممکن بود با برخی اختلاف سلیقه داشته باشد اما عارف کمترین زاویه را با جناح‌های اصولگرا دارد و مورد احترام آنهاست و با اصلاح‌طلبان هم در مجموع چه در مقام معاون اولی خاتمی و چه قبل از آن در مقام پست‌وتلگراف همراهی کرده است. عارف تحرک لازم را داشته، همراه اصلاح‌طلبان بوده، خط و مشی اصلاح‌طلبی دارد اما نه اصلاح‌طلبی خیلی انقلابی مانند تاج‌زاده و امثالهم، بلکه اصلاح‌طلبی معتدل که همیشه خط‌ومش‌اش معقول‌تر و میان‌روتر بوده است.» کرباسچی در پاسخ به این سوال که با وجود انتقادات به عملکرد عارف در فرآکسیون امید مجلس، انتخاب او سیگنال منفی محسوب نمی‌شود؟ تأکید کرد: «مجلس فرق می‌کند، آنجا هم انتقادی که به عارف مطرح بود، شاید ناشی از عملکرد شخصی او نبود. در مجلس و فراکسیونی که حدود ۱۰۰ الی ۱۱۰ نفر به اسم اصلاح‌طلب حضور داشتند و جمع و جور نکرده آنها و اینکه یک خط مشی متفق‌القولی داشته باشند، فرق می‌کند. آن زمان هم خود بنده نسبت به عملکرد فراکسیون در مجلس انتقاد داشتیم اما در مقام معاون اولی، آقای عارف سابقه‌ای دارد که مربوط به دولت خاتمی است و از طرفی پزشکیان هم گفته که من خط و مشی دولت خاتمی را دارم و از طرفی به مردم اعلام کرده که اگر می‌خواهید مانند زمان خاتمی اداره شود به من رأی بدهید و اگر می‌خواهید مانند دیگران اداره شود، به دیگران رأی بدهید و من خوشحالم که پزشکیان به همان خط و مشی دولت خاتمی وفادار بوده است.»

مدیرمسئول روزنامه هم‌میهن در پاسخ به این سوال که احتمال دارد با مشورت آقای خاتمی عارف انتخاب شده باشد؟ گفت: «بنده محتوای دیدار را نمی‌دانم، ولی به نسبت طبعینما و عارف، حتماً عارف جامع‌تر فکر می‌کند. طبعینما باهمه محاسنی که دارد و قطعاً در زمینه اقتصادی فرد توانمندی است اما عارف به لحاظ تجربه‌ای که در مقام معاون اولی خاتمی داشته، تجربه بیشتری در زمینه مسائل مختلف دارد و نگاه او به مسائل فقط نگاه اقتصادی نیست. این انتصاب نشان می‌دهد که دیدگاه پزشکیان نه‌فقط بحث اقتصادی، کنترل تورم و رفع مشکلات کلان اقتصادی است بلکه به مسائل دیگر کشور، یعنی مسائل اجتماعی و زندگی مردم توجه دارد، مخصوصاً آن شرطی که پزشکیان برای عارف مطرح کرده، روشن است که توقع او از معاون اول چیست.» او در پاسخ به این سوال که حضور عارف به عنوان معاون اول تا چه اندازه به تشکیل دولت‌وفاق ملی کمک می‌کند؟ بیان کرد: «اگر قرار باشد که سلیقه‌های سیاسی متفاوتی در دولت باشند با حضور عارف می‌توان امیدوار بود که وفاق کلی صورت‌بگیرد، در هر صورت هر انتصابی مورد رضایت همه افراد نیست و بدون هیچ‌گونه عیب و نقصی نیست همانطور که خود پزشکیان هم بارها اعلام کرده، در همه این انتصاب‌ها و انتخاب‌ها مسائل نسبی است. یعنی هر کدام از افرادی که برای معاون اولی مطرح بودند، امکان دارد که انتقادات و یا زاویه‌های بیشتری با افراد یا مشکلات بیشتری برای دولت و پزشکیان داشته باشد.»

سیاست

تنفیذ ابوالحسن بنی‌صدر

تنفیذ محمدعلی رجایی

تنفیذ آیت‌الله علی خامنه‌ای

تنفیذ اکبر هاشمی رفسنجانی

تنفیذ اکبر هاشمی رفسنجانی



سیاست تاریخ

تنفیذهای تاریخ‌ساز

بازخوانی مراسم تنفیذ رؤسای جمهور کشور از ابوالحسن بنی صدر تا سید ابراهیم رئیسی



سمیه متقی

دبیر گروه سیاست

تنفیذ مسعود پزشکیان، نهمین رئیس‌جمهور کشور روز گذشته در حسینیه امام خمینی برگزار شد؛ تشریفات و مراسمی که در ابتدای هر دوره ریاست‌جمهوری برای تبدیل شدن رئیس‌جمهور منتخب به رئیس‌جمهور مستقر و شروع به کار دولت جدید براساس قانون پیش‌بینی شده‌است. تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری پیش از مراسم تحلیف رئیس‌جمهوری طبق بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، از جمله وظایف و اختیارات رهبر جمهوری اسلامی است. ۱۴ بار این مراسم در کشور ما برگزار شده‌است. در ادامه نگاهی گذرا به این مراسم در ادوار گوناگون خواهیم داشت.

▼ **ابوالحسن بنی‌صدر**

پس از اینکه دولت موقت به‌نخست‌وزیری مهدی بازرگان در ۱۴ آبان استعفا داد و موافقت با استعفای آن از سوی امام خمینی با داستان‌های حول آن از رادیو و تلویزیون پخش شد، شورای رقابت انتخاباتی اولین دوره ریاست‌جمهوری آماده شد و با حذف جلال‌الدین فارسی به‌عنوان گزینه حزب جمهوری در آزادترین انتخابات ریاست‌جمهوری ایران رئیس‌جمهور شد. ۱۰ روز پس از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، یعنی در ۱۵ بهمن ۵۸ قرار بود مراسم تنفیذ رئیس‌جمهور برگزار شود اما امام خمینی با کسالت روبه‌رو شد و به بیمارستان رفت. البته ایشان با این باور که باید خللی در پیشبرد امور کشور ایجاد نشود، حکم تنفیذ بنی‌صدر را در همان بیمارستان قلب به او دادند. بنی‌صدر که اولین رئیس‌جمهوری ایران بود، در مراسم تنفیذ، دست امام خمینی را هنگام دریافت حکم بوسید. در بخشی از متن حکم تنفیذ او امام خمینی اینگونه بیان داشته‌اند: «براساس آنکه ملت شریف ایران با اکثریت قاطع جناب آقای دکتر سیدابوالحسن بنی‌صدر را به ریاست‌جمهوری کشور جمهوری اسلامی ایران برگزیده‌اند، و بر حسب آنکه مشروعیت آن باید به نصب فقیه جامع‌الشرایط باشد، این جانب به موجب این حکم، رای ملت را تنفیذ و ایشان را به این سمت منصوب نمودم؛ لکن تنفیذ و نصب این جانب و رای ملت مسلمان ایران محدود است به عدم تخلف ایشان از احکام مقدسه اسلام و تبعیت از قانون اساسی اسلامی ایران. از جناب ایشان می‌خواهم که مسئولیت خطیری که به‌موجب اراده ملت و براساس قانون اساسی به عهده ایشان گذارده شده است همچون امانتی الهی از آن پاسداری نمایند، و به پیمان خود در مقابل خداوند تعالی و خلق وفادار باشند، و با اعتماد به فضل خداوند اعتماد ملت همچون محوری استوار برای هماهنگی نهادهای مسئول، حمایت از مبانی جمهوری اسلامی، در حوزه اختیارات و مسئولیت‌های خود فرار گیرند، و در راه هدف ملت- که آن تداوم بخشیدن به انقلاب اسلامی و استقرار نظام عدل اسلامی است-با تمام توان بکوشند، و خداوند متعال را ناظر و حاضر دانند، و به وظیفه‌سنجینی که به عهده گرفته‌اند قیام کنند.» البته دو سال بعد ریاست‌جمهوری او با رای عدم کفایت‌انمام رخا شد و پیش از موعد در سال ۱۳۶۰ دومین انتخابات ریاست‌جمهوری در دستور کار قرار گرفت.

▼ **محمدعلی رجایی**

پس از عزل بنی‌صدر در آخرین روز خردادماه، به سرعت کشور در حال جنگ، در فضای ملتپاب از واکنش‌های سازمان مجاهدین خلق به این رخداد، برای انتخابات ریاست‌جمهوری دوم آماده شد. این انتخابات در دوم مردادماه میان ۴ تایید صلاحیت‌شده شورای نگهبان (از بین ۷۱ ثبت‌نام‌کننده) به رقابت پرداختند و محمدعلی رجایی که در دوره اول ریاست‌جمهوری، نخست‌وزیر بود به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. مراسم تنفیذ او در ۱۱ مردادماه در آستانه‌عبید فطر و در حسینیه جماران برگزار شد. در بخشی از حکم تنفیذ او که از سوی امام خمینی صادر شد، آمده است: «به‌رغم تبلیغات دشمنان خارج و داخل، با اکثریت قاطع آفرین از دوره سابق، جناب آقای محمدعلی رجایی ائده الله تعالی را به ریاست‌جمهوری کشور اسلامی ایران برگزیده و بار مسئولیت بزرگ و بار سنگین را بر عهده او گذاشته‌است، و چون مشروعیت آن باید با نصب فقیه ولی امر باشد، اینجانب رأی ملت شریف را تنفیذ و ایشان را به سمت ریاست‌جمهوری اسلامی ایران منصوب نمودم، و مادام که ایشان در خط اسلام عزیز و پیرو احکام مقدس آن می‌باشند و از قانون اساسی ایران تبعیت و در مصالح کشور و ملت‌عظیم‌الشأن در حدود اختیارات قانونی خویش کوشا باشند و از فرامین الهی و قانون اساسی تخلفی ننمایند، این نصب و تنفیذ به قوت خود باقی است و اگر خدای ناخواسته بر خلاف آن عمل نمایند، مشروعیت آن را خواهم گرفت و باید ایشان توجه داشته‌باشند و از عمل ملت دریافته‌باشند که ملت دلاور نیز رأی خود را بر این اساس به ایشان داده‌اند.» با تنفیذ این حکم، رجایی به‌عنوان دومین رئیس‌جمهور کشور آغاز به کار کرد اما کمتر از یک‌ماه بعد یعنی در ۸ شهریور همان سال با انفجار دفتر نخست‌وزیری توسط مسعود کشمیری از اعضای مجاهدین خلق به همراه محمدجواد باهنر، نخست‌وزیر وقت ترور شد و دوره دوم ریاست‌جمهوری به پایان رسید. در پی این رخداد و انتهایت پس از آن دولت موقت و نهادهای دست‌اندرکار کشور را برای انتخابات بعدی آماده ساختند؛ انتخاباتی که تقریباً یک‌ماه بعد برگزار شد.

▼ **آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای**

► **دوره اول:** یک ماه و یک روز از حادثه تروریستی در دفتر نخست‌وزیر و شهادت رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر می‌گذشت که کشور برای انتخابات بعدی آماده شده و مردم به پای صندوق‌های رای رفتند. این انتخابات در شرایطی برگزار می‌شد که شرایط امنیتی و سیاسی کشور با مشکلات عدیده روبه‌رو بود و جنگ هم در ابعاد مختلف فشارها را بر کشور تحمیل می‌کرد. در این انتخابات سه کاندیدا در کنار آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای به رقابت پرداختند؛ حسن غفوری‌فرد، سیدرضا زواره‌ای و علی‌اکبر پرورش که در نطقی تلویزیونی پیش از برگزاری انتخابات او را اصلاح‌اعلام کردند و براساس آن آیت‌الله خامنه‌ای پیروز انتخابات شد. یک هفته بعد مراسم تنفیذ ایشان در حسینیه جماران برگزار شد. در این جلسه سیداحمد خمینی نیز حضور داشت که متن نامه‌های وزارت کشور و شورای نگهبان را مبنی بر صحت انتخابات قرائت کرد و پس از آن هم متن تنفیذ را برای حاضران خواند. در بخشی از متن تنفیذ حکم آیت‌الله خامنه‌ای، امام خمینی نوشته‌اند: «گر چه دست جنایت‌کاران و منافقان، رئیس‌جمهور متمدن‌ه‌ومؤمنی را از ملت مجاهد ایران گرفت و یکی از خدمت‌گزاران صدیق را به شهادت رساند و ملت و سر از ریز از خدمت او، و او را از خدمت به ملت

محروم کرد و گمان کرد که با ترور اشخاص، ملت بپاخواسته از تصمیم خود عقب می‌نشیند و در خدمت به اسلام بزرگ سستی می‌ورزد و در نتیجه راه برای قدرت‌های چپاول‌گر باز می‌شود، ولی شرکت بی‌سابقه مردم کشور، امید بدخواهان را مبدل به یأس و طمع آزمندان را برای همیشه برید.» در بخش دیگر این حکم آمده است: «خداوند متعال بر ما منت نهاد که افکار عمومی را برای انتخاب رئیس‌جمهوری متعهد و مبارز، در خط مستقیم اسلام و عالم به دین و سیاست هدایت فرمود که امید است با حسن تدبیر و کمک قوای سه‌گانه و پشتیبانی ملت بزرگ، مشکلات یکی پس از دیگری رفع و احکام مقدس اسلام به‌طور دلخواه در سطح کشور اجرا گردد.» با این تنفیذ آیت‌الله خامنه‌ای سومین رئیس‌جمهور کشور شد و البته اولین رئیس‌جمهوری که دوره ۴ ساله خود را به پایان رساند. ایشان اگر چه در ابتدا تمایل داشت علی‌اکبر ولایتی، نخست‌وزیر باشد اما با عدم رای اعتماد مجلس به او، آیت‌الله خامنه‌ای با گزینه دوشم یعنی میرحسین موسوی به‌عنوان نخست‌وزیر، سال‌های پرتنش جنگ را با همه فراز و فرودهایش سپری کرد و به دوره چهارم انتخابات ریاست‌جمهوری رسید.

► **دور دوم:** انتخابات ریاست‌جمهوری چهارم در ۲۵ مرداد ۶۴ خـ صـور سه کاندیدا برگزار شد. حبیب‌الله عسگرآولادی، سیدمحمود کاشانی و آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در حالی به رقابت پرداختند که در این انتخابات چهره‌های شاخصی مانند مهدی بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت در آغاز پیروزی انقلاب، ابراهیم یزدی، احمدحاج سیدجوادی، محمدمهدی عبدخدایی و بسیاری از چهره‌های سیاسی دیگر برای این انتخابات دصلاحیت‌شدند. با برگزاری انتخابات آیت‌الله علی خامنه‌ای برای دومین دوره با کسب بیش از ۸۵ درصد آراء، به سمت ریاست‌جمهوری ایران انتخاب شدند. مراسم تنفیذ این دوره هم مانند دو دوره قبل در حسینیه جماران و در تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۶۴ برگزار شد. حکم تنفیذ حضرت امام در دو حوزه قابل تقسیم بود. قسمت اول دعوت از مسئولین به حفظ هوشیاری در مقابل دسیسه‌های بدخواهان انقلاب و قدرت‌های خارجی و منافقان داخلی بود. بخش دوم نیز به تنفیذ رئیس‌جمهور اشاره داشت. بعد از قرائت حکم تنفیذ، امام خمینی سخنرانی ای خطاب به مسئولان کشور انجام دادند و آنها را به حفظ بیت‌المال، عدم پیروی از هوای نفس به عنوان عامل اصلی همه‌ی فسادها و همچنین پای‌بندی و رعایت صلاح اسلام و کشور در کارها توصیه کردند. پس از این تنفیذ آیت‌الله خامنه‌ای تا زمان فوت امام خمینی در ۱۵ خرداد ۶۸ و قرار گرفتن به عنوان جانشین ایشان، رئیس‌جمهوری ایران بودند.

▼ **اکبر هاشمی رفسنجانی**

► **دور اول:** پس از فوت امام خمینی و تعیین آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر در مجلس خبرگان رهبری، ضرورت برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری زوده‌هنگام برای تعیین رئیس‌جمهور مستقر به جای ایشان مطرح شد و در ۶ مرداد ۶۸، انتخابات پنجمین دوره ریاست‌جمهوری با حضور دو کاندیدا، اکبر هاشمی‌رفسنجانی و عباس شیبانی برگزار شد که پیروز آن هاشمی بود. البته که آیت‌الله خامنه‌ای تا ۲۵ مرداد استعفاایش از ریاست‌جمهوری هنوز بررسی نشده بود و هاشمی‌رفسنجانی هم، مجلس هنوز استعفاایش را از نمایندگی بررسی نکرده بود، اما انتخابات برگزار و رهبری در روز ۱۲ مرداد ۱۳۶۸ حکم ریاست‌جمهوری اکبر هاشمی‌رفسنجانی را در حسینیه جماران تنفیذ کردند. در بخشی از این حکم تنفیذ، آمده است: «اینک، پس از گذشت دو‌دوره کامل ریاست‌جمهوری که بحمدالله با وجود آن همه دشواری‌ها و توطنه‌های دشمنان، به خیر و صلاح و عزت و عظمت اسلام و مسلمین سپری شده است، ملت رشید و مقاوم و باوفا، به وصیت امام فقید عظیم‌الشأن خود عمل کرد و در نخستین امتحان و در همان حال که دشمنان قسم‌خورده اسلام، نیرنگ‌ها پرداخته و امیدها بدان بسته بودند، جهانیان را در حیرت و اعجاب وا داشت و با حضور وسیع و سیل‌آسای خود، بنیان آمال بدخواهانه‌ی دشمن را برکنند و با شناخت و آگاهی و آزادی کامل و کم‌نظیر، در انتخاباتی که نقش تبلیغات مرسوم در آن به کمترین حد ممکن رسید، به پای صندوق‌های رأی رفت و به پیمان خود با خدا بر نفی پرستش شیطان، و به عهد خود با رسول خدا در پاسداری از تقلین، و به تعهد خود در برابر امام و انقلاب در وحدت کلمه و کلمه‌ی توحید و استقامت تا استقرار قسط عمل کرد.» و رهبری در ادامه ضمن تقدیر از شخصیت و فعالیت‌های هاشمی، حکم تنفیذ او را اعلام کرد. با این تنفیذ دوره اول ریاست‌جمهوری هاشمی که هم‌زمان با پایان جنگ و ضرورت بازسازی بوده آغاز شد.

► **دور دوم:** هاشمی ۴ سال به‌عنوان رئیس‌جمهور کشور با برنامه بازسازی پس از جنگ به فعالیت پرداخت. او چندین قبل از پایان دولت،

برنامه تعدیل اقتصادی را در پی گرفت که موجب نارضایتی و اعتراض در برخی استان‌های کشور در پی افزایش تورم و گرانی شد اما با این شرایط برای دوره ششمین دوره ریاست‌جمهوری هم کاندیدا شد. این انتخابات ۲۱ خرداد ۷۲ با رقابت ۴ کاندیدا برگزار شد، رقیب‌های هاشمی در این انتخابات احمد توفکی، عبدالله جاسسی و رجبعلی طاهری بودند که او توانست مجدداً به‌عنوان رئیس‌جمهور ایران انتخاب شود. تنفیذ این دوره از انتخابات در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۷۲ در حسینیه امام خمینی برگزار شد. رهبری در این حکم گفتند: «این فرصت را مغتنم شمرده، رئیس‌جمهور محترم و برادر گرمی خود را به آنچه توصیه‌ی همه‌ی انبیا و اولیاء مؤمنین است توصیه می‌کنم؛ یعنی رعایت تقوا و بی‌اعتنایی به زخارف دنیا و دوام ذکر الهی و اعتماد به قدرت حضرت احدیت و ناچیز شمردن قدرت خود و همه‌ی قدرتمندان مادی در برابر قدرت کامله‌ی الهی، و مهربانی با بندگان خدا و حسن سلوک با مردم؛ به‌خصوص قشرهای ضعیف که نیروهای همیشه در صحنه انقلاب و صمیمی‌ترین یاران آن‌اند و حفظ موضع مستحکم همیشگی خود در برابر دشمنان و منافقان و بدخواهان، و نیز به‌گزینش همکاران و مدیرانی که این معیارها را در آنان بازشناخته و ثبات قدم، استحکام روحیه و استقامت فکر آن را آزموده باشند.» دوره دوم ریاست‌جمهوری هاشمی‌رفسنجانی با این حکم تنفیذ آغاز شد و تا مردادماه ۱۴۷۶ دهه پیدا کرد.

▼ **سیدمحمد خاتمی**

► **دور اول** هفتمین انتخابات ریاست‌جمهوری در کشور در حالی برگزار شد که چیدمان سیاسی جدیدی در حال شکل‌گیری بود. سیدمحمد خاتمی در این انتخابات با شعارهایی در راستای توسعه سیاسی، حقوق شهروندی و جامعه مدنی توانست رقبای قدری از جریان راست سنتی را از پیش‌رو بردارد و پیروز رقابت شود؛ انتخاباتی که رقبای خاتمی در آن علی‌اکبر ناطق‌نوری، محمد محمدی‌شهری و سیدرضا زواره‌ای بودند و به حساسه دوم خرداد شهرت یافت. پس از انتخابات و اعلام نتایج آن، مراسم حکم تنفیذ سیدمحمد خاتمی در روز ۱۲ مرداد ۷۶ برگزار شد. حکم تنفیذ او توسط اکبر هاشمی‌رفسنجانی قرائت شد. رهبری در این حکم ضمن تقدیر از حضور پرشکوهِ و سسی‌میلیونی ملت در انتخابات، آن را مهر پلایلی بر توطئه‌های دشمنان برای کم کردن حضور ملت در انتخابات دانسته و تأکید کردند: «اکنون بار دیگر مسئولیت بزرگ ریاست‌جمهوری با اکثریتی قاطع بر شوش مردی روحانی و کارآزموده و انقلابی و اهل دانش و معرفت قرار یافته و یکی از تربیت‌شدگان حوزه معرفت دینی قدرت اجرایی را در کشوری به دست گرفته است که به برکت ایمان و دین‌پاوری عمیق مردمش، پرچمدار نظام دینی و مخترع به اجرای احکام اسلامی است. این رویکرد، همچنان که نشان اعتماد ملت ایران به روحانیت متعهد است، مژده‌رسان این نیز هست که در حرکت سازندگی ملت ایران - که بحمدالله سال‌هاست با همکاری ملت و مسئولان برجسته آغاز گشته است- همواره توجه به ارزش‌های اصیل معنوی و پایبندی به دین و اخلاق و معنویت، رکن اساسی بوده و خواهد بود.» اما حکم تنفیذ رهبری دوره اول ریاست‌جمهوری خاتمی آغاز شد.

► **دور دوم:** سال ۸۰ که پایان دوره ریاست‌جمهوری هفتم بود، جبهه دوم خرداد همه کرسی‌های انتخاباتی را به دست گرفته بود در چنین شرایطی انتخابات دوم هشتم در تاریخ ۱۸ خرداد ۸۰ برگزار شد، خاتمی که برای بار دوم در انتخابات شرکت کرده بود با کسب ۲۱ میلیون رأی به‌عنوان رئیس‌جمهور ایران انتخاب شد. تنفیذ این دوره از انتخابات یک تفاوت ویژه با دوره‌های گذشته داشت و آن برگزاری مراسم تنفیذ در روز ۱۱ مرداد ۸۰ بود؛ سه تنفیذ قبلی در دوران رهبری آیت‌الله خامنه‌ای همواره در روز ۱۲ مرداد انجام شده بود. رهبری در حکم تنفیذ خاتمی تأکید کردند: «مردم ایران در فضایی آرام و با رفتاری متین و با اکثریتی قاطع و شوراگیز، شخصیتی انقلابی و فرزانه و منتسب به بیت سیدادت و علم و تقوا را که اینک چهارسال تجربه‌ی مدیریت کلان بر مزیای ایشان آفرزده است، به ریاست‌جمهوری برگزیدند و پای‌بندی خود را به دین و اخلاق و ارزش‌های معنوی و دلبستگی خود را به روحانیت و سیادت نشان دادند.» در بخش دیگر این حکم آمده است: «بی‌شک هر اقدام مجاهدت‌آمیز رئیس‌جمهور محترم و دیگر مسئولان در این راه مشمول کمک و پاداش الهی و پاسخ شایسته به حضور و صمیمیت مردم و مورد تأیید و همکاری این خدمتگزار خواهد بود.» پس از این حکم خاتمی تا ۴ سال بعد دولت را در اختیار داشت، که بهترین دولت پس از پیروزی انقلاب را از لحاظ شاخص‌های اقتصادی مدیریت می‌کند و در نهایت سکون امور را در انتخاباتی با نتیجه دور از انتظار به محمود احمدی‌نژاد می‌سپارد.